

جُستاری درباره بصائر الدرجات؛
نوشته مجید جعفری ربانی؛ قم:
انتشارات امامت اهل بیت، چاپ اول،
زمستان ۱۳۹۴، ۳۲۲ صفحه.

جُستاری درباره بصائر الدرجات: پژوهشی نو در کتابی کهن

عبدالحسین طالعی

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

اشاره

گاهی در بازدید بناهای تاریخی غمی درون انسان می‌نشیند که روزی در این بنا چه غوغاهایی بود و امروز چگونه غبار غربت بر آن نشست است. آنجا است که آرزویی بر جان انسان چنگ می‌اندازد که کاش می‌توانستیم پشت صحنه آن همه شکوه و رفعت را از ورای حجاب زمان می‌دیدیم و این بنای تاریخی زنده با ما سخن می‌گفت.

احساس نگارنده در مواجهه با هر یک از موارث کهن فرهنگی و دینی - به ویژه مجموعه‌هایی که واژه‌های نور را از خاندان نور برگرفته و به دست ما رسانده‌اند - همین است. یکی از این منابع کهن کتاب ارجمند بصائر الدرجات است؛ کاخی استوار و بلند که «از باد و باران نبیند گزند».

[۱]

منابع کهن را از دو جنبه می‌توان دید و بررسید: گاهی برای بهره‌گیری از درونمایه آنها و گاه برای شناخت خود آنها. مانند آینه‌ای که دو گونه می‌توان در آن نظر کرد: گاهی برای دیدن تصویر خود یا شیء دیگر که در اینجا چندان کاری با ویژگی‌های آینه نداریم، اما در روش دوم می‌خواهیم خود آینه را بشناسیم. در این مورد شناخت آینه هدف ما است، نه شیئی که از طریق آینه در پی دیدن آن هستیم.

پژوهش‌های «متن - شناخت» در گروه دوم جای می‌گیرند. از آن‌رو که برخی از متون کهن فراتر از «یک کتاب در زمان خود» بوده و هستند؛ یعنی سازنده جریانی در زمان خود یا حتی در زمان‌های بعد از خود بوده‌اند، این‌گونه پژوهش‌ها همواره باید جریان داشته باشد.

بدیهی است که شناخت کلی کتاب به بهره‌گیری از درونمایه آن کمک فراوان می‌رساند. کمترین فایده‌اش این است که خواننده امروزی را تا حدی، گرچه اندک، به فضای سده‌های پیشین نزدیک می‌کند. نقش جدی این مطلب در فهم صحیح از مطالب بسیار اثر می‌گذارد.

از زاویه دیگر می‌توان گفت: پژوهش در باب متون منخطوط را به دو گونه کلی می‌توان دانست: یکی تحقیق متن؛ یعنی مقابله نسخه‌های خطی با هم و عرضه متنی که نزدیک‌ترین متن به متن مؤلف کتاب باشد.

چکیده:
کتاب بصائر الدرجات نوشته محدث شیعی سده سوم، محمد بن حسن فروخ صفار در راستای تبیین امامت به رشته تحریر درآمده است. شناخت کتاب، برای بهره‌گیری افزون‌تر از درون مایه آن ضرورت دارد. لذا کتاب جستاری درباره بصائر الدرجات نوشته مجید جعفری ربانی که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات امامت اهل بیت به زیور طبع آراسته شده است، تحقیقی درباره متن کتاب بصائر الدرجات است تا نکات بایسته درباره آن بیان شود. نویسنده در نوشتار حاضر، اقدام به معرفی این اثر کرده است. وی در راستای این هدف، فصول کتاب را متذکر و محتوای آن‌ها را بیان می‌دارد.

کلیدواژه:
کتاب جستاری درباره بصائر الدرجات، کتاب بصائر الدرجات، مجید جعفری ربانی، امامت، تبیین امامت، محمد بن حسن فروخ صفار، معرفی کتاب.

دوم تحقیق درباره متن که نکات بایسته درباره آن بیان شوند.

در مورد بصائرالدرجات نخستین کار کم و بیش انجام شده بود، ولی جای کار دوم خالی بود که با کتاب جستاری در بصائرالدرجات تا حدی این خلأ پرمی شود.

[۲]

کتاب های مربوط به امامت در یک تقسیم کلی دو گونه اند: احتجاجی و تبیینی.

در کتاب های احتجاجی رویکرد مؤلف پاسخ به مدعاهای دانشوران غیرامامی است. نمونه این کتاب ها در سده های پیش، الشافی نوشته سید مرتضی و در سده های اخیر، آثاری مانند الغدیر و عقبات الانوار و المراجعات و دلائل الصدق است. در این گونه کتاب ها کمترین درجات و شئون امامت بیان و اثبات می شود و از فضائل و مناقب والای آن گرامیان سخن به میان نمی رود؛ زیرا مؤلف فضای کتاب را مانند صحنه دادگاهی می بیند که باید در آن کوتاه و گویا سخن بگوید و از کمترین واژه و مباحث کمک بگیرد تا مبادا سخنان اضافی او مورد سوء استفاده رقیب قرار گیرد.

اما مخاطب در کتاب های تبیینی فردی منصف است که به حکم عقل سلیم، به حقایق والای ولایت گردن نهاده و آن مناقب را ممکن می داند. نمونه این کتاب ها در آثار قدما، بصائر و کافی و در آثار متأخران، اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی است.

گاهی یک مؤلف در یک کتاب هر دو گروه را مخاطب خود می داند، مانند سید هاشم بحرانی که در دانشنامه گران سنگ غایة المرام، در هر موضوع دو باب آورده است: در یک باب احادیث شیعی را می آورد و در باب دیگر احادیث عامه را.

گاهی نیز می بینیم که یک مؤلف دو گونه کتاب در باب امامت نوشته است. مثلاً شیخ مفید در کتاب الافصاح به مخالفان پاسخ می دهد، ولی در کتاب الاختصاص به تبیین مقامات اهل بیت می پردازد.^۱

به هر حال کتاب بصائر با توجه به رویکرد تبیینی، جایگاه خاصی در سپهر اندیشه شیعی یافته است که توجه بیش از این می طلبد.

[۳]

نگارش و نشر کتاب «بصائرالدرجات» نوشته محدث شیعی سده سوم، محمد بن حسن فروخ صفار برای تبیین امامت صورت گرفته است. پس شناخت کتاب برای بهره گیری افزون تر از درونمایه آن ضرورت دارد.

۱. درباره صحت نسبت این کتاب به شیخ مفید بحث هایی کرده اند. آنچه در متن آمده، به فرض صحت انتساب است و این گروه مباحث به محل خود موقوف می شود.

تاکنون متن بصائر بدون ترجمه یا با ترجمه یا به صورت گزیده منتشر شده بود که گزارشی از این آثار مرتبط در صفحات ۱۲۰ - ۱۲۱ آمده است. یکی از ترجمه های بصائر ترجمه ای است کهن، متعلق به سال ۵۹۱ از ایاز بن عبدالله کتابی که خوشبختانه نسخه آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و شایسته تحقیق است. (ص ۲۰۴). درباره بصائر مقالاتی نیز منتشر شده بود، ولی جای یک - بلکه چند - تک نگاری جدی خالی بود که کتاب جناب جعفری ظاهراً نخستین گام در این راه است.

کتاب مورد نظر ما رساله کارشناسی ارشد نویسنده بوده که پس از چند مرحله بازنگری و ویرایش بدین صورت درآمده و عرضه شده است.

کتاب از چند فصل تشکیل شده است:

فصل ۱: مقدمات

فصل ۲: چشم انداز تاریخی

فصل ۳: خاستگاه های فکری - فرهنگی بصائر

فصل ۴: اثرگذاری بصائر بر دیگر کتب شیعه

فصل ۵: ویژگی های ظاهری بصائر

فصل ۶: ویژگی های مقام امامت از منظر بصائر

فصل ۷: ویژگی های علم اهل بیت

فصل ۸: عرصه های علم اهل بیت

فصل ۹: ولایت هل بیت

سه فصل اخیر را می توان گزارشی روان از درونمایه بصائر دانست.

فصل ۱۰: بررسی کتابشناختی بصائر

فصل ۱۱: بررسی اعتبار بصائر

فصل ۱۲: اعتبار مضمونی

فصل ۱۳: دیدگاه ابن ولید درباره غلو

فصل ۱۴: دیدگاه ابن ولید درباره مستندات روایی مقامات اهل بیت

فصل ۱۵: بازیابی شماری از منابع مکتوب بصائر

[۴]

در یک نگاه کلی می توان پنج محور کتاب را چنین خلاصه کرد:

فصل ۲ تا ۵: صفار و کتابش بصائر

فصل ۶ تا ۹: محتوای بصائر

فصل ۱۰ تا ۱۲: اعتبار بصائر

فصل ۱۳ و ۱۴: پاسخ به یک پرسش مهم که در علم الحدیث رایج است: چرا محمد بن حسن بن ولید - استاد صدوق - بصائر را روایت نکرده؟ و آیا این به معنای بی اعتباری بصائر است؟

فصل ۱۵: بازشناسی منابع بصائر

[۵]

چند نکته مهم و تعیین کننده درباره بصائر وجود دارد که آن را در میان دیگر آثار آن دوره - یا به تعبیری در میان اصول چهارصدگانه - ممتاز می کند:

۱. صفار محضر امام عسکری (علیه السلام) را درک کرده است.
۲. نقل کلینی و دیگر مشایخ از آن بر اعتبارش افزوده است.
۳. کتاب بصائر به عین ترکیب اولیه به دست ما رسیده است.
۴. موضوع و محور آن بحث امامت است، آن هم به شیوه تبیینی، نه احتجاجی.
۵. تبویب دقیق صفار که حدود ۱۹۰۰ حدیث را در ده جزء آورده و در دل هر جزء ابواب مختلف جای داده که جمع کل ابواب ۱۸۹ باب است (ص ۱۲۳ - ۱۲۴). این تبویب باز یابی مطالب را آسان می کند.
۶. استناد یا استشهاد فراوان به آیات قرآن در بصائر؛ به نوعی که می توان آن را از منابع تفسیر متأثر نیز به شمار آورد. (ص ۱۲۸ - ۱۲۹).
۷. احادیث تکراری در متن کتاب اندک است. (ص ۱۲۹).
۸. نسخه های خطی زیادی (بیش از پنجاه نسخه) از آن وجود دارد که تاریخ کتابت آنها از سال ۵۹۱ تا ۱۲۸۹ است. (ص ۲۰۴ - ۲۱۱)

[۶]

شناخت شخصیت مؤلف یک کتاب کمکی شایان به شناخت ارزش و اعتبار آن کتاب می کند. دریغا که نه تنها مطالب سطحی و روزمره ما بلکه حتی پاره ای از نوشتارهای پژوهشی ما نیز گرفتار روزمرگی شده و از منابع کهن دور مانده اند.^۲

نویسنده کتاب برای رفع فاصله میان نسل امروز با آن شخصیت دیروز، در جای جای کتاب درباره محمد بن حسن صفار سخن گفته است.

برخی از عناوین فرعی کتاب در این زمینه چنین است:

- فهرست مشایخ صفار بر اساس کتب اربعه و وسائل الشیعه (۷۶ تن) (ص ۳۳ - ۳۷) و بر مبنای کتاب بصائر الدرجات (۶۴ تن) (ص ۳۷ - ۴۰).
- معرفی پنج تن از مهم ترین آنان (ص ۶۸ - ۷۶).
- شاگردان صفار همراه با معرفی مختصر و میزان نقل صفار از آنان (۹ تن) (ص ۴۰ - ۴۲).
- صفار در طریق تألیفات اصحاب امامیه: مشیخه صدوق، فهرست طوسی، رجال نجاشی (ص ۴۳ - ۴۷).
- طریق مشایخ به صفار (ص ۴۷ - ۵۰).
- طرق متأخران به او (ص ۲۰۲ - ۲۰۳).

۲. شاهد از غیب رسید! روز جمعه بود و در خانه مشغول نگارش همین سطور بودم که نوه ده ساله ام آمد و گفت: «بابا چه می نویسی؟ هر چه بخوای در اینترنت هست!» امان از آن روزی که این سخن بچه گانه سرلوحه شبه پژوهشگرها شود و تابلویی برای نوشتارهایی گردد که کاریکاتور تحقیق هستند و ناجوانمردانه نام تحقیق را دزدیده اند.

افزون بر این شناخت فضای فرهنگی که صفار در آن روییده و بالیده، چند عنوان در کتاب به خود اختصاص داده است:

- تاریخ فرهنگی قم (ص ۵۳ - ۵۸).
- مشایخ هم طبقه او (ص ۷۶ - ۷۹).
- شناخت ویژگی های مکتب حدیثی قم (ص ۵۸ - ۶۸).
- تفاوت حوزه قم و بغداد (ص ۸۰ - ۸۵).

[۷]

بصائر بر اساس منابع پیش از خود نوشته شده، چنان که خود منبعی برای منابع پس از آن شده است.

متأسفانه صفار مانند بسیاری از قداما، منابع خود را به روشنی نام نمی برد، جز یکی دو مورد. دیگر منابع را به قرینه و احتمال باید به دست آورد. نویسنده این تخمین علمی را به کار بسته و به منابع قطعی و محتمل کتاب بصائر دست یافته است.

صفار به اخذ از کتاب بندار بن عاصم تصریح می کند. افزون بر اینها احتمالاً دست کم از ۱۳ منبع بهره گرفته است: تفسیر القرآن / ابو حمزه ثمالی، النوادر / ابو حمزه ثمالی، کتاب حسن بن عباس بن حریش، کتب عبدالرحمن بن کثیر هاشمی، کتاب حریش بن عبدالله سجستانی، کتاب عمار ساباطی، کتاب جابر جعفری، کتاب عمر بن اذینه، کتاب قاسم بن محمد جوهری، کتاب یحیی بن عمران حلبی، کتاب خالد قلانسی، کتاب عبدالغفار جازی، کتاب عبدالله بن میمون قدام، کتاب سلیمان بن داوود منقری.

در مورد هر یک از این منابع و صاحبان آنها تحقیقی صورت گرفته و مستندات این احتمال علمی ذکر شده است (ص ۳۰۰ - ۳۱۴).

این نگرش به آثار قداما - که در اصطلاح علم کتابداری تحلیل استنادی می نامند - نگاهی جدید با نتایج و ثمرات جدید است.

همچنین تأثیر بصائر بر کتب های پس از خود بدین صورت بحث شده است:

- تأثیر بصائر بر کافی (ص ۸۹ - ۱۰۵)
- تأثیر بر آثار صدوق و طوسی و مفید (ص ۱۰۵ - ۱۰۸)
- تأثیر بر وسائل الشیعه و بحار الانوار (ص ۱۱۱ - ۱۱۵)

بدین سان روشن می شود که کمترین نقش و فایده بصائر این است که صفار حلقه پیوندی شده که دستاورد محدثان سده دوم و سوم را به نسل های بعدی رسانده، آن هم با نظم منطقی و دقیق و در کسوت منشور روشن امامت که مشعلی جاودانه برای آیندگان برافروخته است.

در همین ردیف باید به مباحثی در مورد ارتباط بصائر صفار با منتخب البصائر حسن بن سلیمان حلی اشاره شود (ص ۱۰۹ - ۱۱۰) و نیز بررسی

انتساب بصائر موجود به صفار (ص ۲۱۱ - ۲۲۰) که در اینجا سخن استاد فقید محمدباقر بهبودی نقد و بررسی شده است.

[۸]

بررسی اعتبار کتاب بصائریکی از اهداف اصلی این تحقیق است. نویسنده در این زمینه چند عنوان بحث پیش کشیده است:

- اعتبار سندی (ص ۲۲۳ - ۲۲۷)

- اعتبار مضمونی (ص ۲۳۷ - ۲۵۴). عمده‌ترین مطلب در اینجا بحث دوری صفار از غلو و مبارزه فرهنگی او با غلو است.

- اختلاف‌های کلامی دانشمندان و راویان سده‌های پیشین بر اساس مسائل اعتقادی (ص ۲۴۹ - ۲۵۲).

- میزان تأثیر عقاید راویان بر اعتبار منقولات آنها (ص ۲۵۲ - ۲۵۴).

دو مبحث اخیر اگرچه مستقیماً با بحث اعتبار بصائر مربوط نشوند، ولی زمینه و بستر مناسب برای آن را فراهم می‌سازند و توجه به آنها در ارزیابی نظرات دانشوران رجالی سهمی وافر دارد.

[۹]

یکی از عناوین مهم رجالی پدیدهٔ «استثنا» است. استثنا یعنی اینکه یک عالم تمام آثار دانشور پیشین را - به جز یک یا چند مورد از آنها را که مشمول «استثنا» بود - روایت می‌کرد.

کتاب بصائر از ناحیه ابن ولید - استاد شیخ صدوق - مشمول استثنا شد؛ یعنی محمد بن حسن بن ولید تمام آثار صفار را روایت کرده بود، به جز بصائرا را و از آنجا که ابن ولید به دقت نظر شهرت دارد - چنان‌که شاگردش صدوق تأیید می‌کند - ضرورت داشت که بصائر از این ناحیه بررسی شود.

این مهم را نویسنده به عهده گرفته و در چند عنوان درباره آن سخن می‌گوید:

- پدیده استثنا شاهی محکم بر نگاه مضمون‌گرای محدثان قدیم (ص ۲۵۷ - ۲۵۸). در واقع نویسنده بر آن است که نگاه سندمحور امروزی جایگاهی در گذشته نداشت و استثنا را دلیلی بر مدعای خود می‌داند.

- اقسام استثنا (ص ۲۵۸ - ۲۶۳).

- تغییر روش استدلال، نه تغییر بنیادی در باورها (ص ۲۷۸ - ۲۷۹). این نکته همان است که در یکی از بندهای پیش همین نوشتار با عنوان رویکرد تبیینی و احتجاجی از آن سخن رفت، اما نویسنده نوع برخورد ابن ولید با بصائرا را از این زاویه تحلیل می‌کند که خواندنی است.

- روایاتی که صدوق در کتاب‌های خود روایت کرده و مؤید رویکرد صفار در بحث امامت است (ص ۲۸۰ - ۲۸۷). نویسنده در اینجا پانزده حدیث به عنوان نمونه از آثار صدوق برگزیده که درست در راستای مضمونی بصائر قرار دارد، در حالی که از طریق او نیست. چرا این‌گونه روایات را از آثار صدوق برگزیده؟ زیرا اثری مکتوب از ابن ولید در اختیار ما نیست که مبانی او را نشان دهد. پس تنها راه دستیابی ما به دیدگاه‌های او از طریق آثار صدوق - شاگرد خاص و مروج مبانی او - است که در جاهای متعدد از آثارش در تعارض اخبار خبری را برگزیده که ابن ولید می‌پسندد. صدوق بارها به صراحت به این مبنای گزینش خود اشاره می‌کند.

به هر حال سخن مشهور در مورد بصائر این است که ابن ولید از آن روی کتاب بصائرا را از میان کتاب‌های صفار استثنا کرده و روایت نکرده که مضامین آن را غلوآمیز می‌داند.

این‌گونه روایات پاسخی است به این مدعا، به ویژه آنکه یکی از این روایات، زیارت جامعه کبیره به روایت از

منابع کهن را از دو جنبه می‌توان دید و بررسی: گاهی برای بهره‌گیری از درونمایه آنها و گاه برای شناخت خود آنها. مانند آینه‌ای که دو گونه می‌توان در آن نظر کرد: گاهی برای دیدن تصویر خود یا شیء دیگر که در اینجا چندان کاری با ویژگی‌های آینه نداریم، اما در روش دوم می‌خواهیم خود آینه را بشناسیم. در این مورد شناخت آینه هدف ما است، نه شیئی که از طریق آینه در پی دیدن آن هستیم.

امام هادی (علیه السلام) است (ص ۲۸۷ - ۲۸۸). روشن است که زیارت جامعه کبیره واجد مضامینی است که چنان گویندگانی هرگز بر نمی‌تابند و آن را به رویکرد غلوآمیز نسبت می‌دهند. این مقال مجال بررسی این سخن را ندارد و بررسی آن به جایگاه خود موکول است،^۳ ولی در اینجا فقط همین مستند از مستندات آن مدعا بررسی می‌شود.

[۱۰]

برخی از نکات جالب کتاب در اینجا یاد می‌شود.

۱. یکی از پرسش‌های مربوط به بصائر این است که صفار حدیثی در مورد امام مهدی (علیه السلام) روایت نکرده است. این مطلب را اتان کلبرگ ادعا کرده و آن را دلیلی بر ساختگی بودن نظریه دوازده امامی شیعه دانسته که نویسنده در فصل ششم (ص ۱۳۵) به آن پاسخ می‌دهد.

۲. ثقة الاسلام کلینی در کافی از بصائر بهره برده است. این مطلب تاکنون به گونه‌ای کلی بیان می‌شده، ولی نویسنده با مقایسه عناوین ۴۸ باب میان بصائر و کافی، شباهت آنها را و مستندات این نظریه را نشان داده؛ البته با این تفاوت مختصر که عبارت برگزیده کلینی برای عنوان باب کوتاه‌تر و گویاتر است (ص ۹۵ - ۱۰۴). برای مثال به این عنوان در بصائر بنگرید: «باب فی الأئمة أنهم الراسخون فی العلم الذی ذکرهم الله تعالی فی کتابه» (بصائر جزء ۴ باب ۱۰). عنوان باب مشابه در اصول کافی چنین است: «باب أن الراسخین فی العلم هم الأئمة» (کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، چاپ ۸ جلدی).

همچنین در برخی از ابواب تمام روایات کلینی برگرفته از صفار است.

این نکته را بیفزایم که - به گفته استاد آیت الله سید محمد رضا حسینی جلالی - در این گونه کتاب‌های حدیثی که مؤلف کتاب به شرح حدیث اقدام نکرده، عناوین ابواب را می‌توان فشرده نظریاً فتوای مؤلف کتاب دانست؛ چنان‌که مثلاً از مقایسه میان کتاب فتوایی شیخ حرعاملی (من لا یحضره الامام) با عناوین وسائل الشیعه، به خوبی روشن می‌شود.

براین مبنا می‌گوییم: از مشابهت میان عناوین برگزیده صفار با کلینی برمی‌آید که دست‌کم در این ۴۸ مورد، دیدگاه این دو محدث بزرگ در مسائل امامت مانند هم بوده و به تعبیر دیگر احادیثی را که در آن باب روایت کرده‌اند معتبر می‌دانند و به آن فتوا می‌دهند.

می‌افزاییم که در این مورد که آیا کلینی و صدوق بدون واسطه از صفار نقل کرده‌اند یا نه؟ در کتاب بحث شده و نویسنده نتیجه می‌گیرد که کلینی مستقیماً و صدوق با واسطه از صفار نقل می‌کنند. (ص ۴۲ - ۴۳)

۳. به دلیل درونمایه بصائر بحث غلو در فضائل امامان معصوم جایی ویژه در این کتاب دارد. نویسنده در مواضع مختلف به این بحث پرداخته است. از جمله این موارد:

الف) اهتمام جدی مکتب قم در مقابله با احادیث غلوآمیز (ص ۶۶ - ۷۶).

ب) نظر شیخ صدوق در باب غلو و تفویض (ص ۸۴ - ۸۵).

ج) اختلاف در معنای غلو (ص ۲۳۹ - ۲۷۹). در همین مورد کلام تحلیلی مولی ابوالحسن شریف عاملی خواندنی است که ترجمه فارسی آن (توسط جناب ابوالقاسم آرزومندی) در جشن نامه استاد عطاردی

۳. برای نمونه بنگرید: محمد سند؛ دو گفتار درباره زیارت جامعه کبیره؛ ترجمه مهناز فرحمند و عدنان درخشان؛ تهران: ایصار، ۱۳۸۹.
عباس نوری؛ مستندات قرآنی زیارت جامعه کبیره؛ تهران: نیا، ۱۳۹۴.

بدین سان روشن می‌شود که کمترین نقش و فایده بصائر این است که صفار حلقه پیوندی شده که دستاورد محدثان سده دوم و سوم را به نسل‌های بعدی رسانده، آن هم با نظم منطقی و دقیق و در کسوت منشور روشن امامت که مشعلی جاودانه برای آیندگان برافروخته است.

(عطارد دانش) منتشر شده و به زعم این بنده هر بحثی در مورد غلو بدون رجوع به آن ناتمام است.

۴. تفاوت حدیث جعلی یا موضوع با ضعیف (ص ۲۲۷ - ۲۳۰). این مطلب برای کسانی که علم الحدیث را تحلیلی فراگرفته‌اند بدیهی است، ولی برای افرادی که دستی از دور بر آتش دارند، باید به طور مکرر تبیین شود.

[۱۱]

کتاب ویراسته و پیراسته و خوشخوان و ارزان عرضه شده است. ناشر سلیقه خود را به خرج داده و خادمان گمنام در بخش نشر - که شوربختانه غالباً از آنها یاد نمی‌شود - تلاش خوبی به کار بسته‌اند.

ولی جای فهارس فنی در کتاب خالی است که امید می‌رود در چاپ‌های بعدی این نقیصه جبران شود. نمایه آیات، احادیث، اعلام، کتاب‌ها، جای‌ها و... به‌ویژه نمایه موضوعی - الفبایی که در این‌گونه آثار ضرورت تام دارد.

نقدهایی که گفته شد نه تنها از ارزش این کار نمی‌کاهد، بلکه گویای ارجح آن است که باید دقت بیشتری درباره آن اعمال شود.

[۱۲]

نویسنده کتاب خود را «به نیابت از روح مطهر محدث بزرگوار، جناب محمد بن حسن الصفار، به محضر مبارک قطب عالم امکان حضرت بقیة الله الاعظم حجت بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء» پیشکش کرده است. (ص ۱۰)

نگارنده این سطور نیز قلم انداز مختصر خود را - که در واپسین ساعت‌های عصر نخستین جمعه ماه رجب ۱۴۳۷ به پایان می‌رسد - خاضعانه به آستان آسمان سای ولی دوران و موعود ادیان، امام امم، حضرت امام موعود عجل الله تعالی فرجه تقدیم می‌دارد، بدین امید که گامی کوتاه در راه تقرّب به حضرتش به شمار آید و نگارنده و خوانندگان را بصیرت افزاید.

روایاتی که صدوق در کتاب‌های خود روایت کرده و مؤید رویکرد صفار در بحث امامت است (ص ۲۸۰ - ۲۸۷). نویسنده در اینجا پانزده حدیث به عنوان نمونه از آثار صدوق برگزیده که درست در راستای مضمونی بصائر قرار دارد، در حالی که از طریق او نیست. چرا این‌گونه روایات را از آثار صدوق برگزیده؟ زیرا اثری مکتوب از ابن ولید در اختیار ما نیست که مبانی او را نشان دهد.